



والدین و فرزند پیش دبستانی

دکتر عزیزالله تاجیک اسماعیلی

یک طرف مستلزم داشتن هدفهای تربیتی توسط والدین است و از طرف دیگر باید به تناسب سن و جنس و محدودیتها و تواناییهای کودکان، روش مناسب را برای رشد و تربیت قوای جسمی و روانی آنان برگزینیم.

ورود نخستین فرزند در زندگی خانوادگی شاید مهم ترین تحول خانواده پس از ازدواج باشد. همسران جوان معمولاً یکی دو سال پس از ازدواج صاحب فرزند می شوند. ورود نخستین فرزند در فضای زندگی مشترک زوجین تغییراتی به وجود می آورد که به طور عمده عبارتند از:

- ۱- عطف بخشی از توجه زن و شوهر به فردی غیر از همسر، یعنی فرزند.
- ۲- افزایش مسؤلیت زندگی مشترک در قالب نگهداری و تربیت فرزند.
- ۳- شکل گیری روحیات متنوع نسبت به

- آیا در خانواده جوان خود، فرزند یا فرزندان دارید؟ چند ساله اند؟ با آنان چگونه رفتار می کنید؟ اصولاً برای رفتار با فرزند و تربیت او چه روشی دارید؟ آیا اصولاً روش و برنامه ای دارید؟ آیا با همسران در این باره مشورت کرده اید؟ آیا کتب و مطالبی در این مورد مطالعه کرده اید؟ به نظر شما رفتار صحیح با فرزندان چگونه باید باشد؟ آیا می توانیم روش یا روش های ثابتی برای تربیت فرزندان در همه سالهای عمر آنان توصیه کنیم، یا اینکه باید با توجه به شرایط سنی آنان دست به تصمیم بزنیم؟

اینها بعضی از مهم ترین سؤالاتی است که والدین باید در مقابل فرزندان خود برای آنها پاسخی داشته باشند. تربیت صحیح کودک از

فرزند (به صورت محبت، نگرانی و ...)

۴- ایجاد استحکام در زندگی زناشویی به واسطهٔ عامل پیوندی به نام فرزند.

۵- ضرورت برنامه‌ریزی برای رشد و تربیت کودک.

با توجه به نکات مذکور می‌توانیم بگوییم، یکی از مسائل اصلی و مهم در زندگی خانواده‌های جوان ارتباط صحیح آنان با فرزند یا فرزندان خردسال و آمادگی برای تربیت جسمی و شخصیتی آنان است.

والدین و فرزند اول

فرزند اول، تنها نخستین فرزند خانواده نیست که به دنبال او فرزند دوم و سوم و... یا به عرصهٔ خانواده بگذارند. شرایط موجود در خانواده هم برای نخستین فرزند (در مقایسه با فرزندان بعدی) و هم برای پدر و مادر به گونه‌ای خاص است که آگاهی از آنها برای انجام مسؤولیت‌های تربیتی مهم است. بسیاری از اوقات دیده می‌شود که زوج‌های جوان در اثر عدم شناخت این وضع، در رفتار با فرزند خود دچار نوعی سردرگمی و افراط و تفریط می‌شوند.

نخستین نکتهٔ قابل توجه، اشتیاق و علاقهٔ زایدالوصف زن و شوهر جوان و اطرافیان آنان به واسطهٔ فرزند نورسیده است. از نظر روانی فرزند ثمرهٔ دل و وجود انسان است،^۱ و لذا وجود او نوعی احساس ارزش و حیات به وجود می‌آورد. این احساس هم برای زن و شوهر جوان و هم برای والدین خود آنان یعنی پدربزرگها و مادربزرگها وجود دارد. شاید تا به حال به این مورد برخورد کرده باشید که در بعضی موارد که زوجین جوان بنا به دلایلی تمایل به

داشتن فرزند، بلافاصله پس از ازدواج ندارند، در معرض سؤال و یا اعتراض نزدیکان خود قرار می‌گیرند. گاه این سؤال‌ها و اعتراض‌ها یکی از دو همسر (و بیشتر زن) را متمایل به تولد هر چه زودتر نخستین فرزند می‌کند.

نکتهٔ دوم وجود نوعی اضطراب همراه با اشتیاق داشتن فرزند است. زوج‌های جوان به طور معمول نوعی نگرانی از ورود عضوی جدید به خانواده دارند. عوامل این نگرانی عبارتند از مواجهه با وظایف و مسؤولیت‌هایی که تا آن موقع به‌طور مستقیم تجربه نکرده‌اند، احساس محدود شدن آزادی‌ها و لذات زندگی زناشویی و ترس از اینکه مبدا در انجام وظایف نسبت به نگهداری و مراقبت فرزند موفق نشوند.

رفتارهای عاطفی و هیجانی با کودک از دیگر ویژگی‌های احتمالی والدین در این مرحله است. پدر و مادر جوان از یک طرف شیرینی حضور فرزند اول خود را احساس می‌کنند و از طرف دیگر نگران سلامت و رشد وی هستند. به علاوه فرزندی را نیز بزرگ نکرده‌اند تا بدانند چگونه باید عمل کرد. مجموعهٔ این عوامل دست به دست هم می‌دهند و زمینهٔ رفتارهایی از قبیل توجه افراطی به کودک، هیجان‌های شدید در مواقع بروز مشکل یا بیماری برای فرزند و دقت‌های وسواس‌گونه در رفتار با فرزند را به وجود می‌آورند.

چهارمین مورد قابل ذکر اتخاذ روش آزمون و خطا در مراقبت و تربیت فرزند است. هر چند هر پدر و مادر جوان بعضی تجربیات و مهارت‌ها را در این مورد آموخته‌اند، لیکن به طور معمول این آموخته‌ها حساب شده و منظم و برای انجام مسؤولیت‌های بوجود آمده کافی



مستلزم شناخت خصوصیات جسمی و روانی کودک و رعایت اصول تربیتی و رفتاری بر اساس این خصوصیات است.

رشد؛ مفهوم و اصول حاکم بر آن
بسیاری از پدران و مادران در صحبت‌های روزمره خود واژه رشد را به صورتهای مختلف درباره خود یا فرزندانشان بکار می‌برند. عباراتی از این قبیل:

- تازگی‌ها رشد موهایم کم شده است.

- وزن و قد فرزندم خیلی کند رشد می‌کند.

- رشد عقلی پسرم خوب است.

و عبارات مشابه، حکایت از آن دارد که هر یک از ما تحولات جسمی و روانی خود و فرزندانمان را با وجود تفاوت‌هایی که در جنبه‌های مختلف آنها وجود دارد، دارای یک وجه مشترک می‌دانیم که بر اساس آن، تعبیر

نیست.

رفتار با فرزندان مستلزم برخورداری از آگاهی‌های کافی و روحیه آماده و متناسبی است که بخش قابل توجه آن در زندگی خانوادگی و ایفای نقش پدری یا مادری حاصل می‌شود. لذا فرزندان نخست به طور معمول در معرض تجربه کردن شیوه‌های تربیتی والدین قرار دارند و والدین نیز با اتخاذ بعضی روش‌های تجربی در ارتباط با فرزند، از نتیجه به دست آمده، اعمال خود را در مراحل بعدی تنظیم و تصحیح می‌کنند.

موارد ذکر شده به این معنی نیست که الزاماً چنین وضعی بر فضای خانواده جوان دارای اولین فرزند حاکم است. می‌توانیم با آموزش‌ها و به دست آوردن آگاهی‌های لازم، از بروز بعضی مشکلات احتمالی جلوگیری کنیم و حتی با کسب این آگاهیها برای فرزند خردسال خود موقعیت و شرایط مناسب و مطلوبی از نظر روانی و تربیتی فراهم کنیم. انجام این امر

"رشد" را بکار می‌بریم.

دوم اینکه این تغییرات هم کمی است (یعنی تغییر در مقدار و شدت خصوصیات است) و هم کیفی (یعنی دگرگونی‌هایی را باعث می‌شود).

سوم اینکه در رشد دو دسته عوامل مؤثر است، اول عوامل ارثی و خصوصیتی که انسان با خود به دنیا می‌آورد و دوم عوامل محیطی مثل شرایط زندگی در شکم مادر، تغذیه، محیط خانواده، مدرسه و غیره

چهارم اینکه جهت رشد تکامل انسان در همه ابعاد و زمینه‌هاست، هرگونه رشد، چه جسمی و چه روانی سیر کمالی دارد و اصولاً رشد به صورت کاهش در خصوصیات یا از بین رفتن آنها نیست.

اصول و ویژگی‌های رشد

منظور از اصول و قوانین در مطالعه رشد کودکان و نوجوانان الگوهای همگانی و مشترک در رشد است که به رغم تفاوت‌های قابل توجه در افراد آدمی، در روند رشد آنها به طور مشابه یافت می‌شود و شناخت آنها برای درک الگوی طبیعی رشد ضروری است. در اینجا به برخی از مهم‌ترین این اصول اشاره می‌شود.

اصل اول - رشد یک جریان مستمر و پیش‌رونده است.

رشد کودک و نوجوان یک تغییر مستمر است. به این معنی که هر یک از جنبه‌های وجود او به طور دائم دچار دگرگونی می‌گردد. این دگرگونی در کل به گونه‌ای است که از

والدین در وظایف تربیتی و رفتاری خود نسبت به فرزندان، معمولاً به این واژه و معانی آن بیشتر توجه دارند. به طوری که اغلب پدران و مادران از همان ابتدای طفولیت فرزندان با توجه به مسائلی از قبیل تغذیه، بهداشت، حرکات و رفتارهای کودک، تکلم او، برقراری ارتباطات اجتماعی او با دیگران عملاً نشان می‌دهند که تحولات جسمی و روانی فرزندان خود را با تکیه بر این باور که به سوی مقصد و هدفی مشخص سیر می‌کند، دنبال می‌کنند و در جهت تسهیل این سیر و تحول تلاش می‌نمایند.

به واقع نیز چنین است که تربیت صحیح کودکان و نوجوانان در چهارچوب رشد جسمی و روانی آنان انجام می‌پذیرد و والدین و مربیان، به ویژه والدین جوان با شناخت اصول، ابعاد و مراحل رشد آنان می‌توانند نقش تربیتی خویش را بهتر ایفاء کنند.

مفهوم رشد:

یک تعریف ساده و روشن از رشد چنین است:

"تغییرات کمی و کیفی، در اعضای بدن و خصوصیات روانی انسان، به واسطه وجود زمینه‌های ارثی و عوامل محیطی، که همراه با افزایش و پیچیدگی جنبه‌های آن می‌باشد، و تکامل همه جانبه انسان را موجب می‌شود."^۲

با توجه به این تعریف چند نکته را درباره رشد در می‌یابیم:

اول اینکه رشد حاصل تغییرات بوجود آمده است که در ابعاد جسمی و روانی صورت می‌گیرد.

نقطه‌ای معین آغاز می‌شود و تغییرات آن به صورت کمی و کیفی همراه با تکامل و پیشرفت صورت می‌گیرد و در هیچ انسانی خصوصیات جسمی و روانی ثابت نیست و از ابتدای تولد و حتی پیش از آن، تا پایان عمر خصوصیات شخصیتی و روانی انسانها در حالت تغییر و دگرگونی است.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که هر چند در بعضی مواقع ممکن است مشاهده کنیم در برخی از جنبه‌های رشد و یا در بعضی مراحل خاص، تغییرات حاصل در افراد به صورت رشد و تکامل نیست، لیکن این تغییرات را باید اولاً به صورت کلی و در پهنه سالهای مختلف زندگی فرد در نظر بگیریم و ثانیاً ارتباط آن را با سایر جنبه‌های رشد در نظر داشته باشیم. مثلاً رشد قد و وزن از حدود ۲۵ سالگی به بعد کند می‌شود و بعد از چند سال دچار توقف می‌گردد و لذا به نظر می‌رسد فرد از رشد باز می‌ماند، لیکن باید توجه کنیم نیرویی که تا این مرحله صرف رشد بدنی می‌شود، در عوض در زمینه‌های روانی، ذهنی و شخصیتی صرف می‌شود و لذا یک فرد در عین حال که رشد او در این جنبه متوقف می‌شود، در جنبه‌های دیگر تقویت می‌گردد.

مثال دیگر رشد اخلاقی در نوجوان است که در ظاهر نوعی پسرقت در مقایسه با حالت اطاعت و فرمانبرداری دوره دبستانی به حساب می‌آید، حال آنکه بعد از مدتی، نوجوان در سطح بالاتری قادر به درک و اجرای دستورها و ارزشهای اخلاقی است که در مرحله قبل توان آن را نداشت.

اصل دوم - رشد دارای ابعاد و جنبه‌های

مختلف است.

در رشد ابعاد و جنبه‌های مختلف وجود دارد.

ابعاد اساسی رشد عبارتند از:

الف - بعد جسمی (بدنی)

ب - بعد روانی

رشد جسمی شامل موارد مختلفی است که عبارتند از:

عبارتند از:

۱- قد، ۲- وزن، ۳- ماهیچه‌ها، ۴- استخوانها

۵- اعصاب، ۶- غدد . و ابعاد رشد روانی

عبارتند از:

۱- بعد شناختی (ذهنی)

۲- بعد عاطفی (هیجانی و احساسی)

۳- بعد اجتماعی

۴- بعد اخلاقی

هر یک از موارد مذکور در عین حال که الگو

و مراحل خاصی دارد، با جنبه‌های دیگر نیز مرتبط است و بین آنها تأثیر متقابل وجود دارد.

مثلاً رشد عصبی کودک باعث پیدایی

توانایی‌های ذهنی تازه‌ای در او می‌شود و پدید

آمدن توانایی‌های ذهنی، رشد اخلاقی کودک را

تسهیل می‌کند. رشد اخلاقی کودک نیز ممکن

است در اثر ایجاد آرامش و تعادل روحی و

جسمی، باعث تقویت رشد عاطفی یا حتی

جسمی او شود.

اصل سوم - الگوها و مراحل رشد قابل پیش‌بینی

است.

همه انواع، چه حیوان و چه انسان الگویی از

رشد را که خاص آن نوع است دارا هستند.^۳ این

الگوها، مراحل عمده رشد را در هر کدام از

جنبه‌ها قابل پیش‌بینی می‌سازند. مثلاً در رشد

جسمی قبل از تولد، سه مرحله عمده وجود

دارد که عبارتند از: مرحله تخمی یا زیگوت،

نیز وجود دارد. به عنوان مثال تمامی کودکان از نظر رشد ذهنی سه دوره مهم را پشت سر می گذارند:

۱- دوره اول از تولد تا ۲ سالگی که دوره حسی - حرکتی گفته می شود و فعالیت های ذهنی کودک در چهارچوب ادراکات حسی از محیط و عکس العمل نسبت به آنها محدود می شود.

۲- دوره دوم که از ۲ سالگی تا حدود ۱۱ ، ۱۲ سالگی طول می کشد و دوره تهیه و استقرار عملیات منطقی عینی نامیده می شود. در این دوره که خود شامل دو نیم دوره است (۷ - ۲ سالگی و ۱۲-۷ سالگی) کودک به تدریج قادر به تفکر می شود و به تدریج روابط منطقی بین پدیده ها را درک می کند.

۳- دوره سوم که دوره تفکر منطقی صوری - ذهنی نام دارد از ۱۲ تا ۱۶ سالگی را در بر می گیرد. در خلال این دوره رشد ذهنی نوجوان به گونه ای است که به تدریج می تواند با مفاهیم

مرحله رویانی و مرحله جنینی. این مراحل در مورد تمامی افراد تقریباً یکسان است و در هر مرحله خصوصیات زیر وجود دارد: *

مرحله	بعضی خصوصیات مهم
زیگوت ۰-۲ هفته	لقاح / افزایش سریع سلولی آغاز تفاوت سلولها
رویانی ۲-۱۳ هفته	شکل گیری سیستم عصبی شکل گیری قلب و بعضی اعضای بدن (گوشها، چشمها، بازوها...) سیستم گردش خون
جنینی ۱۳-۴۰ هفته	حرکت جنینی ظهور علامتهای خواب و بیداری رویش مو در سر، ابرو، مژه کامل شدن رشد اعضا، وزن حدود ۳ کیلوگرم و قد حدود ۵۰ سانتی متر در هنگام تولد

این وضعیت در مورد سایر جنبه های رشد



هر شکل ممکن جلوگیری کنند.

مخاطرات رشد در واقع وضعیت‌های حساسی هستند که ممکن است در روند رشد کودک طبیعی باشد، لیکن به واسطه عدم مراقبت‌های مرییان منشأ خطرها و آسیب‌هایی شوند که گاه برای کودکان جبران‌ناپذیر است.

اصل پنجم - در روند رشد تفاوت‌های فردی وجود دارد.

هر چند الگوها و مراحل رشد در افراد مشابه و یکسان است، لیکن بین افراد تفاوت‌هایی از نظر شدت و ضعف صفات مختلف و زمان پدید آمدن خصوصیات متعدد وجود دارد.

تفاوت‌های فردی عوامل گوناگونی دارد. برخی از این عوامل در اثر وراثت و زمینه‌های درونی باعث تفاوت در سرعت و جنبه‌های رشد می‌شود و برخی عوامل دیگر محیطی است.

عوامل ارثی باعث توانایی‌ها و محدودیت‌هایی می‌شوند که فرد از لحظه تولد و حتی قبل از آن تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد. مثلاً وزن هر شخص، طول قد، سن شروع رشد دندانی، رنگ چشم و مو، ترکیب چهره، استعداد‌های ذهنی و هوشی از جمله خصوصیات هستند که تحت تأثیر وراثت قرار می‌گیرند. جنسیت نیز یک عامل عمده تفاوت‌های فردی در رشد است، به گونه‌ای که دختر و پسر از نظر بعضی خصوصیات جسمی و روانی اساساً با یکدیگر متفاوتند.

عوامل محیطی بر چگونگی رشد صفات جسمی و روانی اثر می‌گذارد. محیط‌های جغرافیایی مختلف تأثیرات متفاوتی بر رشد جسمی، رنگ پوست و سن بلوغ به جای

پیچیده و انتزاعی تفکر کند و افکار او به فرد بزرگسال شباهت پیدا می‌کند.

برخی تفاوتها در زمان آغاز و پایان یک دوره در رشد ذهنی و شناختی تمامی افراد وجود دارد و به همین خاطر وقتی کودک در مرحله خاصی وارد می‌شود، معلم و مربی می‌تواند حدس بزند که وضعیت بعدی او چگونه خواهد بود.

اصل چهارم - هر دوره از رشد دارای حساسیت خاص است.

در هر دوره از رشد، کودک با مخاطرات بالقوه‌ای مواجه است. هر چند رشد کودک در جنبه‌ها و مراحل مختلف، معمولی و طبیعی باشد، این مخاطرات برای او وجود دارد. کودکان در جریان رشد با تأثیر عوامل درونی یا بیرونی مواجه هستند که ممکن است منجر به بروز حوادثی برای آنان بشود که اختلال در رشد یا آسیب بوجود آورد.

مثلاً کودکی که به مرحله راه رفتن رسیده، ممکن است به واسطه کنجکاوای از پله‌های ساختمان بالا برود و چون از مهارت کافی در این کار برخوردار نیست، سقوط کند و صدمه ببیند. یا کودکی که از جهت رشد عاطفی به مرحله‌ای رسیده که نسبت به دیگران حساسیت و حسادت نشان می‌دهد، در روابط با همسالان دچار حالت ستیز و پرخاشگری شود و مشکلاتی روانی یا جسمی برای او یا کودکان دیگر بوجود آید.

نکته مهم با توجه به اصل مذکور، این است که والدین و مرییان باید به تناسب هر یک از جنبه‌ها و مراحل رشد کودک مراقبت لازم را نسبت به او داشته باشند و از این مخاطرات به



ثمره و ثمرة القلب الولد - هر درختی میوه‌ای دارد و میوه قلب (انسان) فرزند (او) است . میزان الحکمه، جلد دوم ، صفحه ۶۹۷ .
 ۲- فرهنگ علوم رفتاری ، علی اکبر شعاری نژاد، امیر کبیر ، ۱۳۶۴ (با تغییر و تصرف) .
 ۳- روان‌شناسی رشد (۱) ، سوسن سیف ، رضا کرم نوری ، پروین کدیور ، حسن لطف‌آبادی، انتشارات سمت ، ۱۳۷۰ ، صفحه ۱۰ .

4- CHILD DEVELOPMENT , ELIZABETH B. HIRLOCK MC GRAW HILL,1981 ,PP: 30.

می‌گذارد و محیط‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی در رشد خصوصیات عاطفی، ذهنی، اخلاقی و کلیه جنبه‌های رشد روانی و رفتاری مؤثر واقع می‌شوند. به ویژه باید توجه داشته باشیم که خصوصیات شخصیتی زاینده تأثیرات محیط خانواده و فرهنگ جامعه هستند و اگر مشاهده می‌کنیم افراد صفات شخصیتی متفاوت دارند باید یک عامل اساسی آن را نوع تربیت ، رفتار با کودک در محیط خانواده و تأثیرات فرهنگی جامعه او به حساب آوریم .

پی‌نوشتها :

۱- رسول اکرم (ص) می‌فرماید: انّ کلّ شجرة